

بررسی خطاهای رفتاری در همسرگزینی

شایسته اکبرزاده^۱

چکیده

انتخاب همسر و شیوه‌های متفاوت آن از دیرباز همواره مورد توجه جامعه‌شناسان بوده است. یکی از انواع خطاهای همسرگزینی، خطاهای رفتاری است. ضرورت و اهمیت انتخاب همسر از آن روست که خوشبختی زندگی آینده را رقم می‌زند. با این حال برخی افراد با بی‌دقتی در انتخاب همسر، گرفتار خطاهای رفتاری می‌شوند که بر فرایند همسرگزینی شان تأثیر می‌گذارد و منجر به یک انتخاب نامناسب می‌شود. وسواس در انتخاب، برقراری رابطه دوستی برای شناخت فرد مقابل، خطای تعجیل، نپرسیدن سؤالات کافی، به دنبال انسانی چشم و گوش بسته بودن، خطای نرمش که ناظر به خود فرد است و نیز خطای اجبار و انتخاب طرف مقابل برای فرار از شرایط، مشکلات که ناظر به غیر است، از مهم‌ترین خطاهای رفتاری در همسرگزینی است. پژوهش حاضر که از نظر هدف بنیادی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است، در صدد بررسی این خطاهاست. واژگان کلیدی: ازدواج، همسرگزینی، خطای رفتاری.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ اخلاق و تربیت جامعه الزهراء (ع) و مشاور مراکز مشاوره سماح و جامعه الزهراء (ع). قم، ایران.

مقدمه

نقطه آغازین شکل‌گیری نهاد مقدس خانواده، ازدواج (به‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۲۴) به عنوان پیوندی مقدس و بنایی محبوب نزد خداوند است (نور: ۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۳۴). هسته اصلی ازدواج که قوام و موفقیت زندگی مشترک را تضمین می‌کند، انتخاب و گزینش همسر است. انتخاب همسر مناسب رکن اساسی زندگی، آینده و سرنوشت هر شخصی است (پورحسینی، ۱۳۹۲، ص ۵۶). اگر به طور طبیعی و متعارف گذر عمر را بررسی کنیم، بیش از دو سوم آن با همسر سپری می‌شود (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۰، ص ۱۶). بنابراین انتخاب شریک زندگی را می‌توان مهم‌ترین انتخاب زندگی نامید؛ چرا که اگر این انتخاب درست باشد و فرد ازدواج موفق داشته باشد، به اهداف دیگر زندگی خود دست پیدا می‌یابد و اگر انتخاب نادرستی داشته باشد و درگیر یک زندگی پر تنش شود، در دستیابی به سایر اهداف زندگی نیز با سختی مواجه می‌شود (شیخ‌الاسلام، ۱۳۹۵، ص ۵) و زندگی آینده آن‌ها با ناهمواری‌های فراوانی روبه‌رو خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که یا زندگی پر تنش و نزاع خواهند داشت و یا سرانجام زندگی‌شان به طلاق ختم خواهد شد. امروزه آمار و ارقام نزاع‌های خانوادگی و طلاق در بیشتر جوامع نگران‌کننده است (ساداتیان و آذر، ۱۳۸۹، ص ۷). بر اساس پژوهش‌ها و تحقیقات، طلاق دارای علل متعددی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها که به قبل از ازدواج باز می‌گردد، انتخاب اشتباه و به تعبیر دیگر نامناسب است (ملک محمد، ۱۳۹۵، ص ۱۵). برگزیدن شریک زندگی نامناسب، نتیجه انحراف در معیارهای ازدواج (داودی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۶۱) و خطاهایی است که فرد در مسیر همسرگزینی به آن مبتلا می‌شود. بنابراین فرد برای انتخاب همسر باید دقت کند تا از خطا مصون بماند؛ خطاهایی که اگر دختران یا پسران خواسته یا ناخواسته مرتکب شوند، پیامدی جز تشکیل خانواده‌ای توأم با ناراحتی و اختلاف نخواهد داشت و چه بسا به طلاق بینجامد (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۰، ص ۳۰). خطاهای همسرگزینی انواع مختلفی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به خطاهای شناختی، عاطفی و رفتاری اشاره کرد؛ زیرا انسان دارای سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری است (ر.ک: گروه نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۲۲۱) و ممکن است در هر یک از این ابعاد دچار خطا شود.

خطاهای شناختی، خطاهایی است که عموماً منجر به نتیجه‌گیری اشتباه می‌شود. اگر چه همه اطلاعات به شیوه صحیحی به مغز می‌رسد، اما شخص آن‌ها را اشتباه تفسیر می‌کند؛ از این رو به آن‌ها خطاهای شناختی می‌گویند. این خطاها موجب اختلال در پردازش اطلاعات می‌شوند و فرد را از دستیابی به اطلاعات ناب محروم می‌کنند (قهاری، ۱۳۹۸، ص ۲۷۴). اگر چه ممکن است همه خطاها شناختی به نظر برسند؛ زیرا پشت هر رفتاری، فکری نهفته است، اما ملاک تقسیم‌بندی خطاها این است که در مقام تصمیم‌گیری و انتخاب همسر، خطا بیشتر به کدام یک از ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری تعلق می‌گیرد. خطاهای رفتاری، از جمله خطاهایی است که ممکن است فرد در مقوله رفتار و در حین تصمیم‌گیری نهایی در مسیر انتخاب همسر به آن دچار شود.

رفتارها و دلایلی همچون ازدواج برای فرار از خانه، ازدواج برای پر کردن خلأهای ناشی از خانواده مبدأ، اجبار خانواده برای ازدواج، ازدواج از سر دلسوزی، قبول ازدواج به خاطر حرف دیگران (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۷۷)، شتاب فرد یا طرف مقابل برای ازدواج و تسریع در برگزاری مراسم ازدواج که موجب می‌شود تحقیقی انجام نشود و یا انتخاب با کمترین تحقیق لازم سر بگیرد (حسین‌خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸)، برقراری رفاقت برای شناخت طرف مقابل و داشتن شخصیت و سواسی که از موانع شناخت مطلوب فرد مورد انتخاب است (ایمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲) و نیز اشتباهاتی مانند نپرسیدن سؤالات کافی، نادیده گرفتن نشانه‌های هشداردهنده و تردیدها، سازش‌های عجولانه و... (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۳۹)، از جمله خطاهایی است که می‌تواند زمینه طلاق در آینده را ایجاد کند (همان، ص ۷۷). گاهی ازدواج برای جلب رضایت خانواده و یا اطرافیان و گاه با هدف بهره‌کشی انجام می‌شود؛ مانند نگهداری از فرزندان ازدواج اول، انجام امور منزل و... بی توجه به اینکه برای انجام این امور می‌توان از افراد دیگر کمک گرفت (داودی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۶۱). ازدواج باید به نیت ازدواج انجام شود، نه نیت دیگری. همان‌گونه که ازدواج با نیت رقابت و چشم و هم‌چشمی اشتباه است، ازدواج به نیت فرار از محیط خانواده نیز خطاست؛ زیرا در چنین شرایطی ممکن است فرد از چاله درآید و به چاه بیفتد. فردی که تنها به دنبال فرار از محیط خانه است، نمی‌تواند آن‌گونه که

باید، معیارها را در نظر بگیرد و همسر مناسب خود را انتخاب کند. بنابراین شاید به صورت موقت از محیط خانواده رها و آزاد شود، اما به یقین گرفتار بلای بزرگتری می شود (عباسی ولدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۲۷).

بررسی پیشینه این موضوع و مطالعات و کاوش های انجام شده در این زمینه، گویای غفلت از تحقیق و پژوهش پیرامون خطاهای رفتاری در همسرگزینی به صورت مجزا در قالب کتاب و مقاله است؛ اگر چه منابع محدودی به صورت اجمالی تحت عناوینی همچون انحراف از ملاک های همسرگزینی، اشتباهات بزرگ در همسرگزینی، دلایل نادرست ازدواج، موانع تحقیق و شناخت طرف مقابل به آن اشاره کرده اند. از این رو پژوهش حاضر در صدد است پاسخ گویی به این پرسش است که خطاهای رفتاری در همسرگزینی چیست؟ خطاهای رفتاری در همسرگزینی را می توان تحت دو عنوان «خطاهای رفتاری ناظر به خود فرد» و «خطاهای رفتاری ناظر به غیر» دسته بندی کرد. منظور از ناظر به خود فرد، این است که عامل اصلی در شکل گیری خطا خود فرد و عامل درونی است؛ اما عامل اصلی در شکل گیری خطا در خطاهای ناظر به غیر، بیرونی است.

خطاهای رفتاری ناظر به خود فرد

خطاهایی همچون وسواس در انتخاب، برقراری رابطه دوستی برای شناخت فرد مقابل، تعجیل، نپرسیدن سؤالات کافی، در پی انسانی چشم و گوش بسته بودن و نرمش، از جمله خطاهای رفتاری ناظر به خود فرد است که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. وسواس در انتخاب

یکی از موانع دست یافتن به شناخت دقیق و عمیق در انتخاب همسر، وسواس در انتخاب است. چنین فردی همواره احساس می کند اطلاعات کافی درباره فرد مورد نظر را به دست نیاورده است؛ پس باید تلاش مضاعف کند. این تلاش و کوشش مدت های طولانی ادامه می یابد تا او در نهایت احساس می کند فرد مورد نظر که در صدد انتخاب او بوده است، باب میلش نیست؛ از این رو به دنبال انتخاب دیگری بر می آید و این روند پیوسته ادامه دارد. از آنجا که برای شناخت هر فردی زمانی طولانی صرف می کند و در پایان نیز تن

به انتخاب نمی‌دهد، روزگارش نیز به بطالت سپری می‌شود. بدین سان یکی از علل بالا رفتن سن ازدواج، ابتلا به این بیماری است (ایمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۶).

۲. برقراری رابطه دوستی برای شناخت فرد مقابل

برخی دختران و پسران بر این باورند که با طرح دوستی برای شناخت صحیح طرف مقابل می‌توان به‌گونه‌ای عینی، حالت‌ها و رفتارهای او را شناسایی و ارزیابی کرد (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶). این پدیده میان شمار قابل توجهی از جوانان - آشکار یا پنهان - شایع است و آنان معتقدند تنها در سایه چنین ارتباط مستمری می‌توانند شخصیت، اندیشه و رفتارهای یکدیگر را بشناسند و پایه زندگی مشترک مستحکمی را بنیان گذارند (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲). اگر چه گاهی افراد بدون اینکه قصد ارتباط داشته باشند، به صورت طبیعی متوجه یکدیگر می‌شوند؛ برای مثال افراد در یک محیط دانشگاهی یا محیط کاری به تدریج از همدیگر شناخت نسبی پیدا می‌کنند. اگر رابطه دوستی با این نگاه باشد و فرد احساس کند گزینه مناسبی را برای ازدواج پیدا کرده است، تمام شرایط و مقدمات لازم را طی و ازدواج می‌کند؛ اما ارتباط دوستی که طرفین خارج از ارتباط عادی با یکدیگر آشنا شده باشند و به طور خاص ارتباط و علاقه‌ای میان آن‌ها ایجاد شده باشد، از نظر دینی نهی شده است؛ زیرا معلوم نیست چنین ارتباطی چه سرانجامی خواهد داشت (کوشکی، ۱۳۹۳، ص ۲۶).

دوستی‌های قبل از ازدواج که به اشتباه نام آن را «عشق» می‌گذارند، عامل تعیین‌کننده ازدواج نیست؛ زیرا ازدواج نوعی مشارکت در یک اجتماع کوچک (خانواده) است که در آن دو انسان باید از جهات گوناگون با یکدیگر تناسب عملی داشته باشند. آنچه عامل تعیین‌کننده ازدواج است، همتایی و هم‌کفو بودن زن و مرد است. اگر همگونی در انتخاب همسر رعایت شود، نیازی به برقراری روابط صمیمانه پیش از ازدواج نیز نخواهد بود؛ چنانکه آمار طلاق میان کسانی که پیش از ازدواج ارتباط‌های دوستانه داشته‌اند، بالاتر است (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۶). آشنایی و ارتباط دختر و پسر در محیط اجتماع بیشتر از آنکه معرفت‌ساز باشد، معرفت‌سوز است؛ زیرا فرد حقیقت وجودی خود را نشان نمی‌دهد و حتی ممکن است به علت محبت و عشقی که ایجاد شده است، نتواند عیوب طرف مقابل را ببیند و جوانب مختلف قضیه را به

خوبی بسنجد. از این روست که قرآن کریم هر گونه دوستی پسر و دختر را که بر خلاف موازین شرعی نبوده، ممنوع دانسته و از آن نهی کرده (حسین زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۷) و برقراری روابط نامشروع و پنهانی حتی با غیر مسلمان را ممنوع دانسته (قرائتی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۴) و فرموده است: ﴿...وَلَا تُتَّخِذِي أَخْدَانٍ...﴾ (مائده: ۵)؛ نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید». اگر چه ممکن است با این گونه ارتباطها اطلاعاتی درباره فرد مورد نظر به دست آورد، اما این اطلاعات که در فضایی آکنده از احساسات و عواطف و امیال غریزی رد و بدل می شود، بسیار سطحی و تا حدودی غیر قابل اعتماد است. ضمن آنکه ممکن است یکی از دو طرف یا هر دو به رفتار

نمایشی و تصنعی رو آورند تا به این وسیله نظر دیگری را به سوی خود جلب کنند. دل بستگی، اضطراب، از دست دادن تمرکز حواس، افسردگی در صورت قطع یک جانبه ارتباط و تزلزل زندگی مشترک در صورت منجر شدن رابطه به ازدواج، از دیگر معایب چنین ارتباطی است. بنابراین با توجه به هزینه زیاد چنین روابطی نمی توان به نتایج مثبت آن در شناخت طرف مقابل خوش بین بود (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶)؛ زیرا علاقه ای که پیش از شناخت دقیق یکدیگر ایجاد می شود، قدرت انتخاب را از طرفین سلب می کند و موجب می شود آن ها بدون شناسایی دقیق ازدواج کنند و پس از گذشت زمانی از ازدواج و فرو نشستن محبت اولیه، دو طرف به نقایص یکدیگر و ناهماهنگی هایشان پی می برند و زمینه درگیری میان همسران ایجاد می شود (همان، ص ۱۶۳). افراد در این نوع مراودات به دلیل نداشتن گفتگوهای هدفمند اغلب به حاشیه می روند و به جای اینکه تلاش کنند تا شناخت بهتر و بیشتری از هم پیدا کنند، به سمت وابستگی احساسی پیش می روند که خود مانعی برای شناخت بیشتر است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۳).

دوستی های پیش از ازدواج به دلیل حاکم بودن قواعد خاص ارتباطی و یا هیجان رابطه پنهانی، دارای شرایطی است که با بسیاری از قواعد رابطه زناشویی ناسازگار است (جان بزرگی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۸). آن ها نمی دانند که باید قواعد ارتباط را تغییر دهند. کسانی که این قواعد را تغییر ندهند، ممکن است قواعد روابط دوستی (نامشروع) را به روابط زناشویی تبدیل و تعمیم دهند که خود زمینه ساز طلاق می شود؛ زیرا حریم ها در رابطه دوستی سازمان

متفاوتی دارد و بازگشت به ارتباط مبتنی بر ازدواج که لازمه تداوم آن احترام متقابل است، سخت است؛ اما افرادی که عادت کرده‌اند با جنس مخالف روابط دوستانه گوناگون و غیر متعهدانه‌ای داشته باشند، در امر ازدواج بسیار آسیب پذیرند (همان، ص ۱۱۷). ارتباط قبلی آن‌ها با جنس مخالف موجب می‌شود نسبت به همسر خود دچار سوءظن شوند و بپندارند که همسرشان با افراد دیگر نیز ارتباط داشته است و بدین سان جوّ بی‌اعتمادی به اختلاف منجر می‌شود (پناهی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶). چنین روشی در فرهنگ ما پذیرفته نیست؛ زیرا آن را نه متناسب با هنجارهای اجتماعی می‌دانند و نه مشروعیت آن را می‌پذیرند. بنابراین شیوه‌های انتخاب همسر باید تناسب‌های اجتماعی را در برداشته و با وضعیت فرهنگی و اعتقادی مردم جامعه هماهنگی داشته باشند و روحیات مردم نیز پذیرای آن باشد. جوامع دیگری که از این راه مبادرت به همسرگزینی می‌کنند، دارای مسائل و مشکلات بسیاری همچون تزلزل خانواده هستند. چنین روابطی در جامعه ما پذیرفته نیست؛ زیرا در کنار دلایل ذکر شده، اغلب خانواده‌ها پذیرای چنین ارتباطی از سوی فرزندان خود نیستند (ایمانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۳). بهترین راه برای شناخت بهتر یکدیگر، ارتباط طرفین با یکدیگر برای دستیابی به شناخت بیشتر و با اطلاع خانواده و مشورت با آن‌هاست. باید توجه داشت که شناخت بهتر نیز لزوماً به این معنا نیست که روابط دوستانه خارج از منزل میان دو طرف برقرار شود؛ زیرا در چنین شرایطی نه تنها هدف اصلی که شناخت است، تأمین نمی‌شود؛ بلکه ممکن است شناخت کاذبی نیز ایجاد شود که آثار آن پس از ازدواج ظاهر می‌شود. این در حالی است که در بسیاری از مواقع شناخت شخصیت واقعی و رفتارها و ویژگی‌ها از طریق دوستان، خانواده‌ها، محیط کار و ... به دست می‌آید (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۷). جوانی که صادقانه به دنبال یافتن همسر شایسته باشد و بخواهد با رعایت شئون دینی و اخلاقی زندگی پاک‌تری را فراهم کند، می‌تواند از رهگذر این تحقیقات، ارزیابی‌ها و گفتگوهای سالم به نگرانی‌های پایان دهد و با اطمینان قابل قبولی پای به زندگی مشترک بگذارد؛ بی‌آنکه همه حریم‌های فرهنگی و دینی شکسته شود (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵ و ۱۳۶).

۳. تعجیل

خطای شتابزدگی و تعجیل، گونه‌ای از خطاست که دختر یا پسر بدون مطالعه و با یک بررسی اجمالی شتابزده نسبت به انتخاب همسر اقدام می‌کند (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۰، ص ۳۰۱). شتابزدگی در انتخاب موجب می‌شود نتوان به زوایای تاریک و پنهان شخصیتی طرف مقابل دست یافت. این امر فقط با صبر و حوصله و کنکاش، امکان پذیر است. عجله کردن برای ازدواج به ویژه در سن کم موجب تصمیم‌گیری از سر احساسات می‌شود (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۳۳). برخی دختران و پسران در روز خواستگاری به سرعت تصمیم خود را نهایی می‌کنند و در یک نگاه، شخص مورد نظر را بدون بررسی دقیق تأیید یا رد می‌نمایند. این تصمیم‌گیری ممکن است خارج از منزل نیز انجام گیرد. برای مثال دختر یا پسری که به طور اتفاقی در یک ماجرای عشقی به هم علاقه‌مند می‌شوند، ابتدا تصور می‌کنند سرنوشت آن‌ها را پیش روی هم قرار داده است و از این رو ممکن است بدون توجه به تفاوت‌ها یا اختلافات شان و بر اساس احساسات زودگذر تصمیم خود را برای ازدواج قطعی کنند. افرادی که شخصیت وابسته دارند، کسانی هستند که بر پایه احساس خود تصمیم‌گیری می‌کنند و دیگران را بر مبنای ظاهرشان مورد قضاوت قرار می‌دهند و به سرعت عاشق می‌شوند. اگر دختر و پسر خواهان ازدواجی موفقیت‌آمیز هستند، نباید سریع و ساده عاشق شوند؛ بلکه باید شرایط را به خوبی بررسی کنند که آیا می‌توانند با طرف مقابل خود رابطه‌ای سالم و احترام‌آمیز برقرار کنند یا خیر (همان، ص ۳۶). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از دیگر نکات مهم در انتخاب همسر، توجه به این نکته است که فرد فقط در صد انتخاب همسر نیست؛ بلکه این انتخاب به نوعی انتخاب مادر و یا پدر نیز است. بنابراین باید توجه داشته باشد که می‌خواهد یک نسل را برای همیشه روی چه بنیانی پی‌ریزی کند. بنابراین در انتخاب شریک زندگی نباید شتابزده عمل کرد؛ زیرا نسل ادامه می‌یابد و ماندگار است (ر.ک: امینی گلستانی، ۱۳۸۷، ص ۴۷). گاه تعجیل فرد برای تسریع در برگزاری مراسم ازدواج موجب می‌شود که امر تحقیق مورد بی‌توجهی قرار گیرد. سفر زود هنگام یکی از دو طرف یا خانواده آن‌ها، نزدیک بودن ایامی که رعایت شعائر مذهبی در آن لازم است،

مرگ قریب الوقوع یکی از بستگان و...، از جمله دلایلی است که موجب می‌شود ازدواج با کمترین تحقیق لازم انجام شود (حسین خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸).

یک فرد بالغ گاهی یک سال یا بیشتر صبر می‌کند تا مطمئن شود که از مرز آشنایی گذشته و به شناخت عمیق رسیده است. در جامعه ما شناخت به معنای واقعی وجود ندارد و همه در امر ازدواج عجول هستند (شمیسا، ۱۳۹۴، ص ۴۵). از این رو بهتر است والدین در ازدواج فرزندان شان از شتابزدگی خودداری کنند و همواره به یاد داشته باشند که فرزندان وسیله برآورده کردن آمال و آرزوهای آنان نیستند و فشار برای ازدواج نمی‌تواند ارتباط سالم را پایه‌ریزی کند (آسایش و وکیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۰).

۴. نرسیدن سؤالات کافی

در هر انتخابی به‌ویژه انتخاب همسر باید سؤالات کافی پرسیده شود؛ زیرا در ازای آن، گران‌ترین بها پرداخته می‌شود که همان گوهر وجود و جان است (آسایش و وکیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۷). بسیاری از افراد پیش از شروع یک ارتباط حتی به اندازه زمانی که می‌خواهند یک جفت کفش بخرند نیز سؤال نمی‌پرسند. این اشتباه فرصت کشف چیزهایی را از آدمی می‌گیرد که می‌تواند درباره شریک زندگی‌اش حیاتی باشد (دی‌آنجلس، ۱۳۹۱، ص ۱۴۴). برخی افراد از سؤال کردن فرار می‌کنند و نسبت به آن احساس ناخوشایندی دارند و قربانی شرایط می‌شوند (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰). نرسیدن سؤالات کافی می‌تواند به دلایل زیر باشد:

۱-۴. مخدوش شدن جنبه‌های عاشقانه ارتباط از طریق پرسش

طرفین نمی‌پرسند؛ زیرا می‌ترسند رابطه عاشقانه‌شان از بین برود. برخی افراد می‌اندیشند پرسیدن سؤال فضای ارتباط را به یک فضای مصاحبه تبدیل می‌کند (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۰). از نظر آن‌ها بیرون رفتن برای شام، میهمانی و تحسین و تعریف از یکدیگر و انواع و اقسام رفتارهای دیگری که در شروع یک رابطه خود را آشکار می‌کنند، همان چیزی است که در فیلم‌ها دیده و در کتاب‌ها خوانده‌اند که عشق این چنین است و در آن نیازی به سؤال کردن نیست (ر.ک: دی‌آنجلس، ۱۳۹۱، ص ۱۴۴؛ اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰). این در حالی است که سؤال

کردن از همسر آینده به منظور شناخت او شاید عاشقانه نباشد، اما تنها راه هوشمندانه برای شناخت اوست.

۲-۴. نپرسیدن سؤال به خاطر میل به ازدواج با فرد

گاه برخی افراد می‌خواهند حتماً با فرد مقابل ازدواج کنند و نمی‌خواهند رابطه‌شان به پایان برسد. از این رو به طور ناخودآگاه تلاش می‌کنند سؤال نپرسند؛ به ویژه اگر بعد از مدت‌ها کسی را یافته باشند که به آن‌ها قول ازدواج داده باشد. بنابراین از پرسیدن سؤالاتی که ممکن است این رابطه را خراب کند، پرهیز می‌کنند.

۳-۴. نپرسیدن سؤال به خاطر ترس از مورد سؤال واقع شدن

گاه ممکن است فرد از خود و زندگی‌اش راضی نباشد یا از گذشته خود شرمسار باشد و یا با آن کنار نیامده باشد و یا احساس گناه کند و احساس خوبی نسبت به خود نداشته باشد؛ از این رو ناخودآگاه از پرسیدن سؤال طفره می‌رود تا مورد پرسش قرار نگیرد. فردی که به این دلایل از پرسیدن سؤال طفره برود، در واقع احساس عزت نفس و احترام به خود را از دست داده است و احتمال اینکه درگیر یک ازدواج ناموفق شود، بسیار زیاد است.

۴-۴. آگاهی نداشتن از موضوع سؤال

گاه فرد تصویر روشنی از ازدواج ندارد و نمی‌داند چه مسائلی در زندگی مشترک از اهمیت برخوردار است تا درباره آن‌ها سؤال بپرسد. افرادی که به این دلیل سؤال نمی‌پرسند، افرادی هستند که نیاز به آموزش جدی دارند و هنوز به پختگی کامل درباره ازدواج نرسیده‌اند. پرسیدن سؤال، شاهره شناخت دیگری است (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۰). باید توجه داشت که ندانستن خوشبختی نمی‌آورد؛ زیرا آگاهی نداشتن از چیزی به آدمی صدمه می‌زند و موجب پشیمانی و یأس آدمی از آن مسئله می‌شود (ر.ک: اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱؛ دی‌آنجلس، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷). این در حالی است که هر چه اطلاعات فرد درباره طرف مقابل بیشتر باشد، بهتر می‌تواند درباره او تصمیم بگیرد (ر.ک: شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۱؛ دی‌آنجلس، ۱۳۹۱، ص ۱۴۴).

۵. به دنبال انسانی چشم و گوش بسته بودن

برخی جوانان معیارهای خاصی برای ازدواج خود در نظر می‌گیرند و بر عقیده خود نیز بسیار استوار و پا بر جا باقی می‌مانند. برای مثال برخی افراد علیرغم شایستگی‌های فراوان برای شروع زندگی به دنبال دخترانی هستند که منزوی و گوشه‌گیر باشند و مراودات اجتماعی نداشته باشند و دلیل این کار را نیز سبک‌سری و غیر قابل اعتماد بودن برخی دختران می‌دانند. افراد که چنین تفکری نسبت به دیگران دارند، به نوعی شخصیت پارتوئیدی یا اندیشه شکاک دارند که نمی‌توانند به دیگران اعتماد کنند. اکنون به مدد تحصیل و وجود وسایل ارتباط جمعی، بیشتر دختران هشیار و فعال شده‌اند و همین دختران افراد فعال و اجتماعی هستند که می‌توانند چرخه زندگی و خانواده را به گردش درآورند و مادران صالحی برای تربیت فرزندان آینده خود شوند (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۴۰ و ۴۱).

۶. نرمش

سازش‌های عجولانه و زود هنگام و تسلیم در برابر عشق دیگری، از جمله خطاهای نرمش است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۶. سازش‌های عجولانه و زود هنگام

یکی از اشتباهات جوانان در زمان انتخاب همسر، تغییر سریع ارزش‌ها، رفتارها و عادت‌های خود است تا وانمود کنند که با فرد مقابل توافق و هماهنگی دارند. آن‌ها در ابتدای آشنایی با چشم‌پوشی و کوتاه آمدن از آنچه که برایشان اهمیت دارد، سعی می‌کنند که رابطه را حفظ کنند. وقتی متوجه می‌شوند که عقاید و باورها و علایق‌شان به مذاق فرد خوش نمی‌آید، ممکن است که برای عقاید، باورها و علایق خود اهمیت کمتری قائل شوند تا وانمود کنند که بسیار با هم تفاهم دارند (ر.ک: دی‌آنجلس، ۱۳۹۱، ص ۱۶۲؛ شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۲). واضح است که این تفاهم، قلابی است. سازش‌های عجولانه معمولاً در موارد زیر خود را نشان می‌دهند:

الف) چشم‌پوشی از باورها و ارزش‌های خود: وقتی فردی می‌خواهد با فرد دیگری ازدواج کند، باورها، نگرش‌ها و عقاید خود را با او در میان می‌گذارد. حال اگر باورها و نگرش‌های

طرفین از هم خوانی کافی برخوردار نباشند، دوره پیش روی اوست؛ یا باورها و ارزش‌های خود را حفظ کند و یا برای رسیدن به او از باورها و ارزش‌های خود چشم‌پوشی نماید.

ب) دست برداشتن از علایق و فعالیت‌های خود؛ سازش‌های عجولانه گاهی درباره علایق و فعالیت‌های فرد رخ می‌دهد که این کار معمولاً به دو صورت انجام می‌گیرد:

- گاهی فرد علایق شخصی و کارهای خود را می‌کند؛ به ویژه اگر فکر کند علایق و کارهای او برای طرف مقابل اهمیتی ندارد یا با آینده مشترک‌شان تعارض دارد.

- گاهی نیز فرد خود را غرق علایق و فعالیت‌های همسر آینده خود می‌کند؛ در حالی که خود او از آن‌ها لذتی نمی‌برد. اگر چه سازش در زندگی مشترک از اهمیت زیادی برخوردار است، اما وقتی این سازش زود هنگام و ناپخته و از شرایط بالغانه به دور باشد؛ تأثیر مخربی در ارتباط خواهد داشت. روابط سالم، حاوی درجاتی از سازش است. وقتی فرد به زندگی با فرد دیگری متعهد می‌شود، دیگر نمی‌تواند همانند زمان مجردی زندگی کند. از آنجا که قبل از ازدواج هنوز به فردی تعهد نداده است، می‌تواند دقت بیشتری به خرج دهد؛ زیرا لازم است قبل از هر چیز نسبت به خودش متعهد باشد تا به دیگری (شعاع کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۲ و ۴۳).

۲-۶. تسلیم در برابر عشق دیگری

اگر یکی از عشاق به این نتیجه برسد که طرف مقابل مناسب او نیست، قصد جدا شدن می‌کند. هنگامی که طرف مقابل متوجه شود که مورد بی‌مهری و طرد قرار گرفته است، ممکن است عشق خود را دو چندان نثار عاشق کند و به ترفندهای گوناگون همچون هدایای گرانبها، ناز کشیدن، گریه و ... تلاش نماید که او را باز گرداند، اما پس از اینکه دو نفر به هم رسیدند؛ ممکن است فرد مطرود مجبور شود برای همیشه از موضع ضعف برخوردار کند یا بعد از مدتی که شور عشق به پایان برسد، دو طرف متوجه شوند که ازدواج‌شان از ابتدا کار عبث و بیهوده‌ای بوده است. اگر هر کدام به این نتیجه برسند که طرف مقابل فرد مناسبی برای ازدواج نیست، باید وی را ترک کنند و تسلیم خواهش‌ها و تمنای یار قرار نگیرند. این کار باید به نحوی انجام شود که به او ضربه روحی وارد نشود؛ اگر چه گاهی برای سلامتی باید شربت تلخ را نوش کرد (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۴۴).

افراد معمولاً به یک یا چند طریق از ارزش‌ها و باورهای خود چشم‌پوشی می‌کنند. گاهی از بیان عقیده شخصی خود درباره خطاها و اشتباهات فرد مقابل خودداری می‌کنند، گاهی عقاید، باورها و نگرش‌های خود را بروز نمی‌دهند، گاهی آن‌ها را تعدیل و یا حتی آن‌ها را انکار و در فعالیت‌هایی شرکت می‌کنند که به طور معمول از انجام آن‌ها اجتناب می‌کنند؛ مانند مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر، تماشای فیلم‌های مستهجن و... و نیز از اظهار نظر درباره موضوعاتی که به طور جدی با نظریات فرد مقابل در تضاد است، اجتناب می‌نمایند (شعاع‌کاظمی، ۱۳۹۸، ص ۴۲).

خطاهای رفتاری ناظر به غیر

خطاهایی همچون اجبار یا تحمیل و انتخاب طرف مقابل برای فرار از شرایط، مشکلات و... از جمله خطاهای رفتاری ناظر به غیر است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. اجبار یا تحمیل

یکی از عوامل مؤثر در پایداری و رضامندی، اختیاری بودن ازدواج است. ازدواج پیوند روح‌ها و جان‌هاست، نه پیوند جسم‌ها (پسنندیده، ۱۳۹۱، ص ۹۸) و اگر دلبخواه و باب میل فرد نباشد، او همیشه در عذاب روحی و شکنجه جسم و جان فرو خواهد رفت و همواره عمر گرانمایه خود را با نفرین و نفرت و تلخ‌کامی و آرزوی مرگ سپری خواهد کرد (امینی گلستانی، ۱۳۸۷، ص ۵۴). ثمره چنین ازدواجی «زوجیت بدون صمیمیت» است، حال آنکه آنچه خانواده را مستحکم نگه می‌دارد و احساس شیرین و لذت‌بخشی را میان همسران پدید می‌آورد؛ علاقه آنان به یکدیگر است. همسرانی که با اجبار و اکراه زندگی را آغاز می‌کنند، از چنین نعمتی محرومند (پسنندیده، ۱۳۹۱، ص ۹۸).

اگر چه با زور و اجبار قانونی می‌توان دو نفر را ملزم کرد که با یکدیگر همکاری کنند و پیمان خود را بر اساس عدالت محترم بشمارند و سالیان دراز به همکاری خود ادامه دهند، اما ممکن نیست با زور و اجبار قانونی دو نفر را وادار کرد یکدیگر را دوست داشته باشند و نسبت به هم صمیمیت داشته باشند، برای یکدیگر فداکاری کنند و هر کدام از آن‌ها سعادت دیگری را سعادت خود بدانند (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۳۱۳). بنابراین اگر چه ازدواج یک

نیاز و ضرورت انکارناپذیر است، اما نمی‌توان از روی اضطرار به آن تن داد یا کسی را مجبور به آن کرد (صادق موسوی و احمدی، ۱۳۸۵، ص ۵). متأسفانه برخی خانواده‌ها مطابق آداب، فرهنگ و عرف خود برای ازدواج به جوانان فشار می‌آورند. این فشار در یک جامعه شهری و تحصیل‌کرده می‌تواند نامحسوس و ظریف باشد، اما در جامعه‌ای دیگر با صراحت و به طور مستقیم از جوانان می‌خواهند که باید با فرد خاصی ازدواج کنند. به نظر می‌رسد زنان بیشتر در معرض این استرس هستند؛ این در حالی است که اگر چنین فردی ازدواج کند، ممکن است بعدها به این نتیجه برسد که خیلی زود ازدواج کرده و ازدواج نیاز اساسی و جدی او در آن دوره زمانی نبوده است و یا همسرش آن کسی نیست که اکنون می‌خواهد و در نهایت منجر به سرخوردگی فرد می‌شود (آسایش و وکیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۹).

آزادی جوانان در انتخاب همسر در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. روایات متعددی بیانگر به رسمیت شناختن این آزادی برای جوانان در اسلام است (بستان، ۱۳۸۳، ص ۴۶). برای مثال در روایتی آمده است که ابی‌یعفور از امام صادق علیه السلام چنین سؤال کرده است: «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَإِنَّ أَبِي أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ مِنِّي بِغَيْرِهَا؛ مَنْ لِي فِي ذَلِكَ مِنْ حَقِّ ابْنِ أَبِي ذَرٍّ؟» (ابو ذر را می‌خواهم با زنی که پدرم می‌خواهد با کسی غیر از من ازدواج کند، من چه حقی دارم؟) امام علیه السلام به او فرموده است: «تَزَوَّجِ الَّتِي هَوَيْتَ وَدَعِ الَّتِي يَهْوَى أَبُوكَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۰۱)؛ آن را که خودت دوست داری، اختیار کن و آن را که پدر و مادر پسندیده‌اند، رها کن. روایات درباره دختر باکره محدودیت قائل شده و ازدواج او را به رضایت پدر مشروط دانسته‌اند که بی‌تردید برای حفظ مصالح دختران مقرر شده است (بستان، ۱۳۸۳، ص ۴۶).

در روایات آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چند دختر را شوهر داد و هرگز اراده و اختیارشان را از آن‌ها سلب نکرد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۵، ص ۷۵؛ راجا و جاوید انوری، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱). هنگامی که امام علی بن ابیطالب علیه السلام برای خواستگاری حضرت زهرا رضیه الله عنها نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رفت، آن حضرت فرمود: «تاکنون چند نفر دیگر نیز به خواستگاری زهرا رضیه الله عنها آمده‌اند و من آن را با زهرا رضیه الله عنها در میان گذاشتم، اما او به علامت نارضایتی چهره خود را برگردانده است. اکنون درخواست تو را به اطلاع او می‌رسانم». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد حضرت زهرا رضیه الله عنها رفت و مطلب را با دختر

عزیزش در میان گذاشت، ولی آن حضرت بر خلاف نوبت‌های دیگر چهره خود را برنگرداند و با سکوت رضایتش را به پدرش فهماند. پیامبر اکرم ﷺ نیز تکبیرگویان از نزد حضرت زهرا ؑ بیرون آمد (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۰).

از آنجا که ازدواج پیمانی است که بر اساس آن، زن و مرد موظفند تمام سال‌های عمرشان را در کنار یکدیگر بگذرانند، نارضایتی و بی‌رغبتی هر یک از طرفین نسبت به طرف مقابل بر روحیه و اعصاب آنان اثرگذار است و موجب بسیاری از واکنش‌هایشان در قبال زندگی مشترک می‌شود؛ واکنش‌هایی که اغلب خوشایند نیست. بنابراین وقتی گفته می‌شود تحمیل ازدواج به جوانان تحمیل بدبختی به آنان است، سخنی به‌گزارفته نشده است؛ به‌ویژه آنکه در مواردی تبعات ازدواج‌های تحمیلی به اختلافات خانوادگی، قهر و آشتی‌های کوتاه یا بلندمدت، از هم‌پاشیدگی کانون خانواده و بی‌سرپرستی کودکان محدود نمی‌شود و بسیاری از خودکشی‌ها و نیز قتل همسر ریشه در همین امر دارد (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، ص ۹۸ و ۹۹). بنابراین اختیار و اراده افزون بر اینکه از شرایط آمادگی‌های پیش از ازدواج است، یکی از عوامل مهم افزایش صمیمیت در رابطه زوجین است. در برابر اختیار و اراده، اکراه و اجبار قرار دارد. ازدواج در چنین شرایطی به فقدان مسئولیت‌پذیری می‌انجامد و احتمال طلاق را بالا می‌برد (جان‌بزرگی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۵).

در ازدواج اجباری دختران سه حال را می‌توان متصور شد. در حالت اول برخی دختران این ازدواج را قبول دارند و راضی هستند. عموماً این دسته از دختران، کسانی هستند که شناخت مختصری از طرف مقابل دارد و با همین شناخت کم نیز این ازدواج را می‌پذیرد. در حالت دوم دختران بدون میل باطنی و صرفاً به خاطر شرم و حیا و حفظ احترام والدین چنین ازدواجی را می‌پذیرند. طبیعی است در چنین شرایطی که دختر با میل و رغبت خود ازدواج نکرده است، نمی‌تواند چندان به زندگی دلگرم باشد، مگر اینکه در آینده ایده‌آل بودن همسر برایش اثبات شود. در حالت سوم دختر داماد را نمی‌پسندد و به این ازدواج رضایت نمی‌دهد، اما با تهدید والدین یا با در نظر گرفتن ثروت و شهرت طرف مقابل آن را می‌پذیرد. اگر چه حالت اول و دوم اجباری است، اما دختر خود را با شرایط وفق می‌دهد و می‌تواند

به زندگی مشترک خود ادامه دهد؛ اما در حالت سوم که دختر آن را فی نفسه پذیرفته است، به اجبار به خانه بخت می‌رود و نه خانه را دوست دارد و نه صاحب‌خانه را. دختر در چنین خانه‌ای هرگز خوشبخت نمی‌شود؛ زیرا همیشه به دنبال بهانه‌جویی و ایرادهای واهی است، همسرش را دوست ندارد، به زندگی عشق نمی‌ورزد و خانه شوهر برایش زندان اجباری است؛ زیرا ازدواجش اجباری بوده است (صدری مازندرانی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸-۱۵۶). این در حالی است که در روایتی آمده است که عبدالرحمان نظر امام کاظم علیه السلام را درباره ازدواج دخترش با پسر برادرش جويا شد و امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «أَفْعَلُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ بِرِضَاهَا فَإِنَّ هَذَا فِي نَفْسِهَا نَصِيْبًا (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۸۴)؛ با رضایت دختر انجام بده؛ زیرا او نسبت به خودش اختیاری دارد». بر پایه این حق طبیعی و قانون کلی است که در روایات از شوهر دادن دختران خردسال نهی شده است. دختران در این‌گونه ازدواج‌ها در انتخاب همسر آینده خود نقشی ندارند و در مقابل عمل انجام شده قرار می‌گیرند (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰). بنابراین انسان نباید در انتخاب همسر تحت تأثیر زورگویی دیگران (پدر، مادر، برادر، دوست، آشنا و...) قرار گیرد و آینده خود را تباه کند (امینی گلستانی، ۱۳۸۷، ص ۵۴).

یکی از اشتباهات والدین این است که آن‌ها نیز مانند فرزندان‌شان تصویری خاص از داماد و عروس‌شان را ترسیم نموده‌اند. در واقع آنان قصد دارند آن چیزی را که برای خود می‌پسندند، برای فرزندان‌شان بپسندند. از این‌رو امکان دارد در انتخاب همسر فرزندان‌شان اعمال سلیقه و قدرت‌کنند. گاهی نیز ممکن است به آرزوهای ناکام خود جامه عمل ببوشانند. اصطلاحاتی همچون «از ارث محروم می‌کنم» یا «شیرم را حلال نمی‌کنم»، جملاتی هستند که برخی والدین مستبد برای تهدید و اعمال نفوذ در فرزندان‌شان استفاده می‌کنند. آن‌ها هنوز در این خیال هستند که فرزندان‌شان هنوز در سنین کودکی به سر می‌برند و نمی‌پذیرند که آن‌ها بزرگ شده‌اند و قادرند برای زندگی خود تصمیم‌گیری کنند؛ از این‌رو با نظر آن‌ها مخالفت می‌کنند (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱). والدین نباید خودخواهانه برای فرزندان خود تصمیم بگیرند؛ زیرا هر فردی معیارهای اختصاصی خود را بر اساس تجارب و اهداف زندگی خود بر می‌گزیند. حال اگر والدین با دیدگاهی دفاعی به این تفاوت‌ها بنگرند،

خود را از جوان جدا می‌کنند و با جوانی که نیازمند همسویی و هم‌رایی و همفکری است، همراهی نمی‌کنند. والدین در فرایند انتخاب همسر توسط فرزندشان در کنار او باشند، نه در مقابلش (آسایش و وکیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۸-۲۶۹) و به جای مخالفت با فرزند و سنگ‌اندازی در کار او باید مسیر شناخت دو نفر از یکدیگر را هموار نمایند و در جریان انتخاب نقش مشورتی ایفا کنند؛ زیرا آن‌ها تجارب بسیاری دارند که می‌توانند از آن برای راهنمایی فرزندان خود استفاده نمایند و نباید برای انتخاب به فرزندان شان اجبار کنند (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰ و ۱۳۱). فرزندان در انتخاب همسر از جانب حق، دارای حرّیت و استقلال هستند (انصاریان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۱) و باید از خود آنان کمک گرفته شود تا نسل‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و فعالیت‌های همدلانه میان آن‌ها برقرار شود. جوانان نیز اگر برای ازدواج با فردی تحت فشارند، باید صبر کنند، به خودشان فرصت دهند، درباره آن موضوع بیشتر بیاندیشند و بکوشند از ازدواج عجولانه شتابزده بپرهیزند. این کار هم به نفع او، هم به نفع همسر آینده او و هم به نفع فرزندان شان است. آنان باید بدانند که تجربه والدین در برخی امور بسیار قابل توجه و مهم است (آسایش و وکیلی، ۱۳۹۵، ص ۲۶۸ و ۲۶۹). پس باید به نصایح آن‌ها گوش فرا دهند و از اعمال فشارهای مختلف مانند قهر کردن و کارهای نمایشی همچون خودکشی بدلی بپرهیزند (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰-۱۳۱) و احترام والدین را نگه دارند و با همسر دلخواه خودشان بر طبق شرایط و معیارهای اساسی انتخاب همسر که بیان شد، ازدواج نمایند (صدری مازندرانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳). جوانان باید مراقب باشند که تحت فشارهای عاطفی والدین (اشک و آه و ناله‌ها و نگاه‌های ملتسمانه و تهدید به نفرین و ...) زیر بار ازدواج نروند؛ زیرا رنجشی که پس از شکست جوان برای والدین پیش خواهد آمد، به طور قطع بیشتر از رنجشی است که امروز با مخالفت آن جوان ایجاد می‌شود. (دهنوی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۶).

۲. انتخاب طرف مقابل برای فرار از شرایط

ممکن است افراد با انگیزه‌های متفاوتی تصمیم به ازدواج بگیرند. معمولاً دلایل مثبت برای ازدواج مواردی مانند ارضای نیاز جنسی، والد شدن، عشق و صمیمیت، نیاز به همراهی و حمایت را در بر می‌گیرد؛ اما برخی افراد به این دلیل خواهان ازدواج هستند که می‌خواهند از

یک محیط «نامناسب» فرار کنند. به عبارتی انگیزه آن‌ها از ازدواج و انتخاب طرف مقابل، فرار از شرایط، مشکلات و ... است. آن‌ها از محیطی ناخوشایند و آشفته فرار (قهری، ۱۳۹۸، ص ۱۲۸) و گمان می‌کنند مسافری سرگشته روی دریایی پر از امواج هستند و زندگی مشترک، تنها کشتی نجات (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹) و مرهمی بر جراحات آن‌هاست (وارن، ۱۳۸۱، ص ۸۵) و آن را نقطه پایانی برای تمامی مشکلات و نطفه شروعی برای خوشبختی می‌دانند. این باور نادرست است؛ زیرا اگر چه ازدواج می‌تواند پایان بخش برخی مشکلات دوران مجرد باشد، اما نقطه آغاز مشکلات جدید است. ازدواج مستلزم سازگاری با موقعیت جدیدی است که به دنبال ازدواج پیش می‌آید و چنین چیزی، مستلزم صرف انرژی زیادی است که به نوبه خود می‌تواند فشارافزا باشد (قهری، ۱۳۹۸، ص ۳۹). ممکن است در کوتاه مدت و تحت تأثیر هیجان ازدواج، مشکلات موقتاً از نظر پنهان بماند؛ اما در بلند مدت این مسائل چهره عوض می‌کنند و خودشان را نشان می‌دهند (وارن، ۱۳۸۱، ص ۸۵). بنابراین این گزینه نه تنها راه حل به شمار نمی‌رود؛ بلکه مشکلات دیگری را نیز به بار می‌آورد.

چنین ازدواج‌های تداوم نخواهد داشت و در صورت تداوم، خوشایند نخواهد بود. اگر چه این افراد بر این باورند که ازدواج می‌تواند رهایی بخش باشد و آن‌ها را از محیط ناخوشایند نجات دهد، اما آنچه که آن‌ها به آن نیاز دارند، ازدواج نیست؛ بلکه یادگیری مهارت‌هایی برای کنار آمدن با موقعیت دشوار خانوادگی است. آن‌ها به آموزش مهارت‌های حل مسئله، حل اختلاف و تصمیم‌گیری نیازمندند تا بتوانند با موقعیت نامناسبی که در آن به سر می‌برند، کنار آیند. افزون بر اینکه در گام بعدی باید به آن‌ها کمک کرد تا با پیامدهای مثبت و منفی انتخاب خود آشنا شوند. این دسته از افراد زمانی آمادگی ازدواج را خواهند داشت که نه به دلیل فرار از محیط نامناسب، بلکه منطقی تصمیم به ازدواج بگیرند (قهری، ۱۳۹۸، ص ۱۲۸). بنابراین همان‌گونه که ازدواج به نیت رقابت و چشم و هم‌چشمی اشتباه است، ازدواج به نیت فرار از محیط خانواده نیز خطاست. گاهی ممکن است فرد در صورت ازدواج با چنین نیتی از چاله درآید و به چاه بیفتد؛ زیرا با توجه به اینکه فقط در پی فرار از محیط خانه بوده است و عجله دارد، نمی‌تواند آن‌گونه که باید، معیارها را در نظر بگیرد و

همسر مناسب خود را انتخاب کند. از این رو شاید به صورت موقت از محیط خانواده راحت شود، اما دچار بلای بزرگتری می‌شود (عباسی ولدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۲۷).

بنابراین افرادی که برای فرار از شرایط، مشکلات و ... تصمیم به ازدواج می‌گیرند، ممکن است در انتخاب فرد مقابل دقت لازم را نداشته باشند و یا معیارهای همسرگزینی خودشان را کاهش دهند که این نیز یک خطای رفتاری است. برای مثال فردی که با پدرش رابطه خوبی ندارد، فردی که به خاطر مسائل اقتصادی یا داشتن یک خانه و خانواده و یا به خاطر فوت پدر و مادر و فرار از این موقعیت‌ها و تغییر موقعیت، طرف مقابل را با هر ویژگی یا با حداقل ویژگی‌ها مورد نظر انتخاب می‌کند؛ از مصادیق بارز خطاهای رفتاری در همسرگزینی است.

نتیجه‌گیری

افراد ممکن است در فرایند همسرگزینی دچار خطاهای رفتاری شوند که این خطاها گاهی ناظر به خود فرد و گاهی ناظر به غیر است. یکی از این خطاها، خطای وسواس در انتخاب همسر است. چنین فردی همواره احساس می‌کند هنوز اطلاعات کافی درباره طرف مقابل را به دست نیاورده است؛ پس باید که تلاش مضاعف کند و این تلاش مدت‌ها ادامه دارد تا اینکه او در نهایت احساس می‌کند که فرد مورد نظر که در صدد انتخاب او بوده است، باب میل او نیست و از نو به دنبال انتخابی دیگر بر می‌آید و این روند پیوسته ادامه دارد. برخی دختران و پسران نیز بر این باورند که بهتر است برای شناخت صحیح طرف مقابل، مدتی طرح دوستی ریخت و از طریق این ارتباط دوستانه به گونه‌ای عینی حالت‌ها و رفتارهای او را مورد شناسایی و ارزیابی قرار داد. اگر چه از این طریق نیز می‌توان به اطلاعاتی در مورد فرد مورد نظر دست یافت، اما باید پذیرفت که این اطلاعات در فضایی آکنده از احساسات و امیال غریزی رد و بدل می‌شود؛ بسیار سطحی و تا حدودی غیرقابل اعتماد است و احتمال دارد یکی از دو طرف یا هر دو به رفتار تصنعی روی آورند تا به این وسیله نظر دیگری را به سوی خود جلب کنند. همچنین به سبب علاقه‌ای که در طی این ارتباطات میان افراد ایجاد می‌شود، نمی‌توانند عیوب طرف مقابل و جوانب مختلف قضیه را بسنجند؛ زیرا علاقه قبل از شناخت دقیق یکدیگر صورت گرفته است و در نتیجه قدرت انتخاب را از

آنان سلب می‌کند و موجب می‌شود طرفین بدون شناسایی دقیق انتخاب کنند. خطای شتابزدگی و تعجیل زمانی است که دختر یا پسر بدون مطالعه و با یک بررسی اجمالی شتابزده نسبت به انتخاب همسر اقدام می‌کند. عجله کردن در انتخاب موجب می‌شود زوایای تاریک و پنهان شخصیتی طرف مقابل به خوبی شناسایی نشود. والدین نیز باید در ازدواج فرزندان‌شان از شتابزدگی خودداری کنند و همواره به یاد داشته باشند که فرزندان وسیله برآورده ساختن آمال و آرزوهای آنان نیستند.

در انتخاب همسر باید سؤالات کافی پرسیده شود. افراد ممکن است به دلایل مختلفی همچون از بین رفتن رابطه عاشقانه، میل به ازدواج با فرد، ترس از مورد سؤال واقع شدن و آگاهی نداشتن از موضوع سؤال، از طرف مقابل سؤالات کافی نپرسند. پرسیدن سؤال، شاهراه شناخت دیگری است؛ زیرا هر چه اطلاعات درباره یک فرد بیشتر باشد، بهتر می‌توان درباره او تصمیم گرفت. برخی جوانان خواهان دختران منزوی و گوشه‌گیری که مراودات اجتماعی نداشته باشند، هستند و دلیل این کار را سبک‌سری و غیر قابل اعتماد بودن برخی از دختران می‌دانند. کسانی که چنین طرز تفکری نسبت به دیگران دارا هستند، به نوعی اندیشه شکاک دارند که نمی‌توانند به دیگران اعتماد کنند.

از دیگر خطاهای رفتاری که جوانان در زمان همسرگزینی، سازش‌های عجولانه است. آن‌ها ارزش‌ها و رفتارهای خود را به سرعت تغییر می‌دهند یا برای عقاید، باورها و علایق خود اهمیت کمتری قائل می‌شوند تا وانمود کنند که با فرد مقابل توافق و هماهنگی دارند؛ در حالی که این تفاهم قلبی است. همچنین گاهی اوقات یکی از طرفین به این نتیجه می‌رسد که طرف مقابل فرد مناسبی برای وی نیست و قصد جدا شدن می‌کند، اما وقتی طرف مقابل متوجه می‌شود که مورد بی‌مهری و طرد شدن قرار گرفته است، عشق خود را دو چندان می‌کند و به ترفندهای گوناگون تلاش می‌نماید که او را باز گرداند. این رفتارها تا آنجا ادامه می‌یابد که فرد به هدف خود می‌رسد، اما پس از رسیدن به یکدیگر فرد مطرود مجبور شود برای همیشه از موضع ضعف برخوردار کند و یا ممکن است این دو بعد از مدتی که شور عشق به پایان رسید، متوجه شوند که ازدواج‌شان از ابتدا کار اشتباهی بوده است. اگر هر کدام به

این نتیجه رسیدند که طرف‌شان فرد مناسبی برای ازدواج نیست، باید وی را ترک نمایند و تسلیم خواهش‌ها و تمنای فرد قرار نگیرند.

یکی دیگر از خطاهای رفتاری در همسرگزینی، اجبار در ازدواج و انتخاب است. این در حالی است که ازدواج پیوند روح و جان‌هاست، نه پیوند جسم‌ها. اگر طرف مقابل دلبخواه فرد نباشد، ثمره این نوع ازدواج «زوجیت بدون صمیمیت» است؛ زیرا اگر چه با زور و اجبار قانونی می‌توان دو نفر را ملزم به همکاری با یکدیگر کرد، اما نمی‌توان دو نفر را وادار کرد که یکدیگر را دوست داشته باشند و ازدواج در چنین شرایطی، به فقدان مسئولیت‌پذیری می‌انجامد و احتمال طلاق را بالا می‌برد. بنابراین والدین نباید خودخواهانه برای فرزندان خود تصمیم بگیرند. زمانی که والدین با دیدگاهی دفاعی به تفاوت بین نظر خود و فرزندان بنگرند، خود را از جوان جدا می‌کنند و با جوانی که نیازمند همفکری است، همراهی نمی‌کنند؛ در حالی که والدین در انتخاب همسر باید در کنار فرزندان باشند، نه در مقابل آن‌ها و مسیر شناخت دو نفر از یکدیگر را هموار کنند و در جریان انتخاب نقش مشورتی ایفا نمایند. جوانان نیز باید بدانند که تجربه والدین در برخی امور بسیار قابل توجه و مهم است، احترام والدین را نگه دارند، ولی باید مراقب باشند زیر فشارهای عاطفی والدین (اشک، تهدید و نفرین و...) زیر بار ازدواج نروند؛ زیرا رنجشی که پس از شکست جوان برای والدین پیش خواهد آمد، به طور قطع بیشتر از رنجشی است که امروز با مخالفت آن جوان ایجاد می‌شود. آخرین خطای رفتاری در همسرگزینی نیز انتخاب طرف مقابل برای فرار از شرایط، مشکلات و... است. اگرچه این افراد بر این باورند که ازدواج می‌تواند رهایی‌بخش باشد و آن‌ها را از محیط ناخوشایند نجات دهد، اما با توجه به اینکه آن‌ها فقط در پی فرار از محیط خانه بودند، نمی‌توانند آن‌گونه که باید معیارها را در نظر بگیرند و همسر مناسب خود را انتخاب کنند؛ به همین دلیل شاید به صورت موقت از محیط خانواده راحت شوند، اما دچار بلای بزرگتری می‌شوند. آنچه که آن‌ها به آن نیاز دارند، ازدواج نیست. آن‌ها به آموزش مهارت‌های حل مسئله، حل اختلاف و تصمیم‌گیری نیازمندند تا بتوانند با موقعیت نامناسبی که در آن به سر می‌برند، کنار بیایند و موفق به حل مشکلات‌شان شوند.

فهرست منابع

فارسی

۱. آسایش، محمدحسن و محسن وکیلی، (۱۳۹۵ش)، راهنمای تخصصی مشاوره پیش از ازدواج، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاهی.
۲. اثنی عشری، محمد، (۱۳۸۶ش)، هرگز ازدواج نکنید مگر با نیمه گمشده الهی تان، چاپ دوم، اصفهان: نقش نگین.
۳. امینی گلستانی، محمد، (۱۳۸۷ش)، آداب ازدواج و زندگی خانوادگی، چاپ اول، قم: نشر سپهر آذین.
۴. انصاریان، حسین، (۱۳۸۵ش)، نظام خانواده در اسلام، چاپ ۲۳، قم: ام ابیها.
۵. ایمانی، محسن، (۱۳۸۷ش)، شیوه‌های شناخت و گزینش همسر، چاپ دوم، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
۶. بستان، حسین، (۱۳۸۳ش)، اسلام و جامعه‌شناختی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. به‌پژوه، احمد، (۱۳۸۸ش)، ازدواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۸. پسندیده، عباس، (۱۳۹۱ش)، رضایت زناشویی، چاپ دوم، قم: دارالحدیث.
۹. پناهی، علی احمد، (۱۳۹۰ش)، همسرگزینی چرا و چگونه؟، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی.
۱۰. پورحسینی، سیدعلی، (۱۳۹۲ش)، دو کوزه قبل از بله: آموزش‌های پیش از ازدواج، چاپ هفتم، مشهد: آهنگ قلم.
۱۱. جان‌بزرگی، مسعود، (۱۳۹۷ش)، مشاوره پیش از ازدواج، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. حسین خانی، هادی، (۱۳۹۳ش)، فرایند همسرگزینی، چاپ سوم، قم: نشر بنشاسته.
۱۳. حسین زاده، محمدرضا، (۱۳۸۹ش)، پرسمان قرآنی ازدواج و خانواده، چاپ اول، قم: نشر جمال.
۱۴. حسینی بیرجندی، سید مهدی، (۱۳۹۰ش)، آموزش و مشاوره قبل از ازدواج، چاپ اول، تهران: آوای نور.
۱۵. داودی نژاد، مسلم، (۱۳۹۱ش)، سین جین‌های خواستگاری، چاپ ۱۲، قم: مهر فاطمه.
۱۶. دهنوی، حسین، (۱۳۸۸ش)، گلبرگ زندگی، چاپ نهم، قم: خادم الرضا.
۱۷. دی‌آنجلس، باربارا، (۱۳۹۱ش)، آیا توان گمشده‌ام هستی، ترجمه هادی ابراهیمی، چاپ هشتم، تهران: نسل نو اندیش.
۱۸. راجا، سعید و احمد جاوید انوری، (۱۳۹۳)، «روش‌های زمینه‌ساز تربیت فرزند از دیدگاه اهل بیت (ع)»، مجله مطالعات اهل بیت شناسی، ش ۱، ص ۱۳۶-۱۱۷.
۱۹. ربیحانی، حمید، (۱۳۸۹ش)، شناخت و انتخاب در خواستگاری، چاپ اول، تهران: بعثت.
۲۰. ساداتیان، سید اصغر و ماهیار آذر، (۱۳۸۹ش)، آمادگی و شرایط لازم برای ازدواج، چاپ اول، تهران: ما و شما.
۲۱. شعاع‌کاظمی، مهرانگیز، (۱۳۹۸ش)، مهارت‌های قبل از ازدواج و رضامندی بعد از ازدواج، چاپ دوم، تهران: آوای نور.

۲۲. شمیسا، علی، (۱۳۹۴ ش)، همسرگزینی امروزی، چاپ اول، تهران: نسل نو اندیش.
۲۳. شیخ الاسلامی، علی، (۱۳۹۵ ش)، اصول همسرگزینی و ازدواج موفق، چاپ اول، تهران: آوای نور.
۲۴. صادق موسوی، سید خسرو و جمشید احمدی، (۱۳۸۵)، «خانواده، ازدواج دانشجویی، چالش‌ها و راهکارها»، مجله پیوند، ش ۳۲۸، ص ۱۲ - ۵.
۲۵. صدری مازندرانی، حسن، (۱۳۸۹ ش)، هنر انتخاب همسر، چاپ چهارم، قم: مشهور.
۲۶. عباسی ولدی، محسن، (۱۳۹۱ ش)، نیمه دیگرم، چاپ اول، قم: جامعه الزهراء علیها السلام.
۲۷. قرائتی، محسن، (۱۳۸۱ ش)، تفسیر نور، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۸. قهاری، شهربانو، (۱۳۹۸ ش)، مشاوره پیش از ازدواج، چاپ نهم، تهران: نشر قطره.
۲۹. کوشکی، محمدصادق، (۱۳۹۳ ش)، سبک زندگی دینی/دفتر اول: انتخاب همسر، چاپ اول، قم: نشر معارف.
۳۰. گروه نویسندگان، (۱۳۹۱ ش)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ دوم، تهران: نشر مدرسه.
۳۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵ ش)، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ ۴۷، تهران: صدرا.
۳۲. ملک محمد، فخری، (۱۳۹۵ ش)، با چه کسی ازدواج کنم؟، چاپ اول، قم: قلم زنان.
۳۳. نصیری، علی، (۱۳۹۰ ش)، آیین همسرگزینی، چاپ دوم، قم: دفتر نشر معارف.
۳۴. وارن، نیل کلارک، (۱۳۸۱ ش)، در جستجوی عشق زندگی، ترجمه مهدی قرچه‌داغی، چاپ چهارم، تهران: اوحدی.

عربی

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، چاپ اول، قم: دار الثقافة.
۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ ق)، الوافی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.